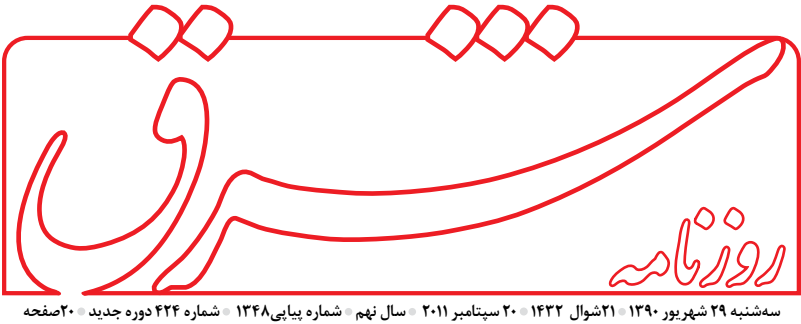




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
 صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
 نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
 تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱، ۸۸۶۵۸۵۷۵-۰
 تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵-۰
 توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۱۳۲-۵
 چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
 www.sharhnewspaper.ir
 تهران : اذان ظهر ۱۲:۵۸ اذان مغرب ۱۹:۲۳ اذان صبح فردا ۵:۲۷ طلوع آفتاب ۵:۵۱



سه‌شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۹۰ ۲۱ شوال ۱۴۳۲ ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱ سال نهم شماره پیاپی ۱۲۴۸ شماره ۴۲۴ دوره جدید ۲۰صفحه

نقاشی‌های محمدحسین ماهر در شهر کتاب مرکزی

فروشگاه مرکزی شهرکتاب که پیش از این میزبان آثار بزرگانی مانند نادره حکیم‌الهی، بهرام دبیری، منوچهر معتبر و ابراهیم حقیقی بوده اکنون منتخبی از نقاشی‌های محمدحسین ماهر را در گالری خود به نمایش می‌گذارد. این نقاشی‌ها، از مجموعه «صورت‌ها»ی این هنرمند از تاریخ ۲۷ شهریور تا ۲۷مهر در گالری فروشگاه مرکزی شهرکتاب، واقع در خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان مطهری، نبش کوچه کلاته، شماره ۷۴۳، طبقه همکف نمایش داده می‌شود.



ابوعطا

شاگرد زرنگ چه کسی است

هادی چپر دار



■ البته بر هر کس واضح و مبهرن است که شاگرد باید زرنگ باشد و خنگ و کودن نباشد. اما شاگرد زرنگ چه شکلی می‌باشد؟ برای پاسخ به این سوال ما تلاش گردانیدیم تا اول معنی زرنگی را گمانه‌زنی گردانیم و برای این کار از خاتم‌آبادی که همیشه انشاهای خوب‌خوب می‌نویسد، سوال گردانیدیم. او به ما گفت که زرنگی طبق تعریف عبارت می‌باشد از به‌خدمت گرفتن توانمندی‌ها در جهت بروزرفت از چالش‌ها و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها.البته بعدش هم طبق معمول درباره جستارگشادی چیزهایی گفت که به نظر ما ربطی به زرنگی نمی‌گردانید و ما بی‌خیال بقیه‌اش گردانیدیم. اکنون ما با معلومات خود اجزای مختلف این تعریف را خدمت معلم و همشاگردی‌های خود شرح می‌گردانیم.

«به‌خدمت گرفتن توانمندی‌ها» یعنی اینکه آدم‌های منگ توانایی دیگران را به خدمت بگیرند. مثلاً این اکبرزاده که هر سال فروزه می‌شود و لنگش اینقدر دراز شده، یکی از شاگردان توانمندی می‌باشد که از دیگران خدمت می‌گیرد؛ مثلاً پورساحلی را مجبور می‌کند که مشق‌هایش را برایش بنویسد و در زرنگ تفریح به ما می‌گوید: «مالیات بر ارزش افزودت رو اخ کن بیا». یعنی نصف تغذیه ما را که مامان‌مان داده می‌گیرد و در امتحان از روی ورقه خاتم‌آبادی تقلب می‌کند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که اکبرزاده که خنگ و زوردار است، شاگرد زرنگی می‌باشد و به‌قول بابای‌مان مثل ما دست‌وپا چلفتی و بی‌عرضه و خاک برسر نمی‌گرداند.

«بروزفت از چالش‌ها» یعنی اینکه آدم زرنگ از همه جا خیلی راحت بیرون می‌رود، حتی اگر لازم باشد از روی چاله‌ها می‌رود. مثلاً بابای ما وقتی به شمال می‌رویم و جاده شلوغ می‌باشد و همه ماشین‌ها توی صف واستاده می‌باشند، می‌اندازد توی خاکی و از روی چاله‌چوله‌ها می‌رود و از بقیه راننده‌های غیرزرنگ و بی‌عرضه جلو می‌زند.

همین‌طور در راهنبدان خیابان‌ها هم همه‌اش از این خط به آن خط می‌رود و جای ماشین‌های دیگر را می‌گیرد و خیلی زرنگ و با دست و پادار می‌باشد. همچنین «بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها» یعنی آدم زرنگ باید همیشه از فرصت استفاده گرداند. مثلاً بابای ما توی صف نان و بانک همیشه نوبت آدم‌های خنگول را می‌گیرد و حتی محرم پارسال که رفیقیم نذری بگیریم، چندبار رفت غذا گرفت و ما را هم چندبار فرستاد و غذا گرفتیم و به بی‌عرضه‌ها نذری نرسید و ما تا دو هفته قیমে می‌خوریم و بقیه‌اش را که خراب شد، دور ریختیم. بابای ما در اغلب موارد پول یا بلیت اتوبوس را نمی‌دهد و یواشکی سوار یا پیاده می‌شود. همچنین بابای ما تا آدمی را می‌بیند که دکتر است یا کامپیوتر بلد است، یک نسخه‌مچانی از او می‌گیرد یا کامپیوترش را می‌فرستد برای تعمیر و بعد به او می‌گوید: «اگه لازم‌ه چیزی تقدیم گردانیم، خواهشمند است رودر بایستی نگردانید» و طرف مجبور می‌شود پول نگیرد و مامان ما می‌گوید: بایات خیلی زرنگ می‌باشد و مثل شوهر خالات بی‌نوم باشد.

ما از این انشأ نتیجه می‌گردانیم که شاگرد زرنگ باید توانمند باشد و جربه داشته باشد و از چگکی با ندانن بلیت اتوبوس و جمع کردن اسلانتیون و هدایای تبلیغاتی از نمایشگاه‌ها تمرین بگرداند تا در آینده بتواند پله‌های ترقی را یکی‌یکی طی بگرداند و حتی اختلاس‌های سه‌زار میلیاردتومان‌های بگرداند و همه به او افتخار بگردانند. بنابراین به‌نظر ما شاگرد زرنگ کلاس همانا اکبرزاده می‌باشد و ما باید از بابای خود بیشتر یاد بگیریم تا در آینده فرد موفق‌تری برای جامعه خود باشیم و بدین ترتیب میهن خود را آباد و پیشرفته‌ترین کشور دنیا گردانیدیم.

برش از اخبار

راه‌اندازی بانک اسناد تاتاری‌ها

■ شرق: اداره برنامه‌های تاتار برای تکمیل بانک اسناد خود فراخوان منتشر کرد. هنرمندان تاتار می‌توانند با اهدای اسناد، نمایشنامه‌های دست‌نویس، عکس، فیلم، صدا و حتی لباس تاتار به غنی شدن این بانک و باقی گذاشتن اسناد فرهنگی، برای نسل آینده اقدام کنند.

نمایشگاه تصویرگران در خانه هنرمندان

■ علی‌هاشمی شهرکی،مدیرعامل انجمن تصویرگران گفت: این نمایشگاه شامل آثاری از اعضای انجمن تصویرگران است که به مناسبت هفته تصویرگری و به عنوان نمایشگاه سالانه انجمن تصویرگران اواخر پاییز سال جاری در خانه هنرمندان ایران برپا می‌شود.

پرسش از فرهنگ

آیا صدا پدیده‌ای فرهنگی است

ناصر فکوهی



■ برخی از پدیده‌هایی که در پیرامون ما وجود دارند، به حدی طبیعی و «بدیهی» به نظر می‌رسند که کمتر به اهمیت اساسی آنها نه تنها در حیات زیستی بلکه در موقعیت فرهنگی خود آگاهی‌هم و درباره آن تأمل می‌کنیم. «صدا» در مفهومی عام یکی از این پدیده‌هاست. داویدلوپروتون، جامعه‌شناس و انسان‌شناس فرانسوی اخیراً (سپتامبر ۲۰۱۱) کتابی با عنوان «انسان‌شناسی صدا» منتشر کرده است که این پدیده را در همه ابعاد فیزیکی و فرهنگی‌اش مورد بررسی قرار داده است و غنا و پیچیدگی آن را در زندگی فردی و گروهی انسان‌ها نشان می‌دهد.

صدا حتی در چارچوب محدود صدای انسانی، طیف بسیار گسترده‌ای را پوشش می‌دهد: از سخن گفتن گرفته تا موسیقی، نهنقه در نوای انسان‌ها (آوا) اشکال مختلف آن، مطالعاتی که درباره زبان انسانی انجام گرفته، کامیابش نشان می‌دهند که انسان‌ها ابتدا از زبانی کالبدی برخوردار بوده‌اند که ظاهراً برای روابط محدود ارتباطاتی میان آنها کافی بوده است، زبانی که بقایای آن هنوز هم در شیوه‌های سخن گفتن ما در فرهنگ‌های مختلف، حرکات دست و بدن و چشم‌ها و غیره ادامه یافته است و استفاده هوشمندانه از آن در مورد برخی از افراد ناتوان مثل ناشنوایان برای ساختن زبان حرکتی، به آنها امکانات گسترده‌ای برای اجتماعی شدن داده است.

اما ظهور زبان ملفوظ در قالب صداهایی که به تدریج حنجره انسانی را تقویت کرده و در رابطه با قالب‌های نحوی و معنایی و شنناختی، امکانات زیادی به بروز احساسات و اندیشه‌ها و ساخت آنها می‌دهند، صدا را در مرکز گروه بزرگی از پدیده‌های فرهنگی قرار داده است. از این زاویه می‌توان شاهد بازنامی و باز تعریف مجموعه صداهای اعم از صدای اشیاء، صداهای طبیعت (جانوران و پدیده‌های اقلیمی و...) و ترکیب آنها با صدا و زبان انسانی چه در لایه‌های مستقیم (تصویرسازی‌ها و بازی‌ها و ساختارپندی‌های صدایی و زبانی) و چه غیرمستقیم (هنر در همه شاخه‌های آن از هنرهای تجسمی گرفته تا هنرهای تصویری و کلاسی) بود. بعد فرهنگی دیگری در مورد صدا که اهمیت ویژه‌ای دارد، بعد هویتی آن است. صدا، همچون چهره، از مهم‌ترین مشخصات و مولفه‌هایی است که هویت افراد را می‌سازد. این جنبه هویتی صدا را باید در چارچوبی عام‌تر میان فرهنگ‌های مختلف نیز در نظر گرفت. هر فرهنگی دارای طیف و مشخصات خاص به کارگیری صدا در موقعیت‌های مختلف زبانی و اجتماعی دارد و گذار از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر لزوماً کار ساده‌ای نیست چنانکه حتی کنشگران چند زبانه (به دلیل برخورداری از والدینی از زبان‌های مختلفی با مهاجرت نیز برای گذار از یک زبان به زبانی دیگر نیز تغییرات آنتروپیک و استراتژیکی مختلفی را در شخصیت خویش به وجود بیآورند (ولو ناخودآگاهانه) و وارد جهان‌های شناختی – حسی متفاوتی بشوند و گاه نیز به همین دلیل دچار نوعی سردرگمی هویتی می‌شوند و گاه نیز خواسته یا ناخواسته یک یا چند زبان خود را به طور جزئی یا کلی به سود زبان یا زبان‌های دیگری ترک می‌کنند. در نهایت جنبه‌های آسیب شناختی صدا را نیز باید در نظر گرفت: از بیماری‌های صدا همچون لکنت زبان، ضربه خوردن تارهای صوتی یا از میان رفتن کامل حنجره (در سرطان) تا اشکال پیچیده‌تری از آسیب شناختی همچون عدم توانایی افراد در کارگیری صدا یا ناتوانی و عدم شناخت یا شناخت ناکافی آنها از موقعیت‌های زبانی – صدایی برای راه یافتن به جامعه یا بالا رفتن در مقیاس اجتماعی. عدم برخورداری از «صدایی مناسب» یا به کار بردن نادرست صدا در موقعیت‌های اجتماعی مربوط، می‌توانند صدمات سختی به کنشگران اجتماعی بزنند.

در نتیجه‌گیری این بحث می‌توان عنوان کرد که بررسی جنبه‌های مختلف صدا و تأمل بر چگونگی شکل‌گیری آن، فراتر از مباحث فیزیولوژیک، از خلال فرایندها و موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند راهی باشد به سوی درک بهتر فرهنگ خود و فرهنگ‌های دیگر. در این چشم‌انداز جای آن هست که بر رابطه میان صدا به طور اعم و موسیقی به طور خاص اشاره کنیم. در نظر گرفتن موسیقی به مثابه شکل تطبیف‌یافته‌ای از صدا، هر چند از بنیان درکی نادرست نیست، اما به گمان ما نوعی تقلیل‌گرایی مفهومی شمرده می‌شود. برعکس نیاز به آن وجود دارد که از موسیقی، رابطه انسان و موسیقی آواز و ابزارهای موسیقایی (اسطخوانی معنایی، شناختی، نمادین و حتی کارکردی یافت و تحلیل کرد. کاری که باید از جنبه‌ای دیگر بر رابطه‌ای میان زبان کالبدی انسان با حرکات کالبدی موسیقایی نیز انجام داد.

در خبرها آمده بود که مسوولان موزه هنرهای معاصر اقدامی جالب‌توجه‌بخشی از گنجینه نیمه‌محرمانه و سربه‌مهر خود را به نمایش خواهند گذاشت. می‌گوییم نیمه‌محرمانه و سربه‌مهر زیرا هیچ‌کدام از خبرنگاران، کارشناسان و هنرمندان ایرانی دقیقاً از تعداد آثار و محتوای این گنجینه اطلاعی ندارند و گاه و بی‌گاه است که با نمایش چند اثر می‌توان نام‌هایی را به فهرست آثار گنجینه ارزشمند این موزه افزود. به طور مثال کسی از وجود نقاشی‌های دکونینگ، نقاش برجسته قرن بیستم در گنجینه موزه خبری نداشت تا اینکه خبردار شدیم که چنین آثاری در موزه وجود دارد. البته تلاش‌هایی در دوره‌های گذشته در زمینه شفاف‌سازی آثار موزه به عمل آمده اما به هیچ‌وجه کافی نیست.

نمایشگاه عکس‌های خارجی گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران باعث خوشحالی کارشناسان و دوستداران هنر عکاسی خواهد شد. گویا تعدادی از این آثار در سال ۸۶ در معرض دید عموم قرار گرفته بود. مجموعه‌ای از آثار هنرمندانی چون فیلیکس نادر پدر عکاسی حرفه‌ای که از بسیاری از شخصیت‌های مشهور جهان عکاسی کرده، آنسل آدامز عکاس بزرگ

برداشت آخر

چشم‌های نیمه‌باز تصاویر

علیرضا امیرحاجبی

ناتورالیست، آگوست ساندرو تعدادی دیگر از هنرمندان عکاس جهان از چهارم مهر در موزه به نمایش گذاشته خواهد شد. هنر عکاسی در ایران سالیان‌ها و هم‌رتبه در اروپا دارد. بسیاری از حاکمان، ثروتمندان و حتی پادشاهان علاقه فراوانی به عکاسی داشته‌اند و همین سابقه طولانی باعث شده تا بخش مهمی از جامعه علاقه‌مندی خود را به این هنر نمایان کنند. این نمایشگاه فرصت مناسبی است که دوستداران عکاسی از نزدیک آثار بزرگان هنر عکاسی جهان را مشاهده کنند. حال که عکاسی تبدیل به راحت‌ترین کنش تکنولوژی شده است می‌توان با دقت بیشتری به عکس‌های نادر نگاه کرد و با بررسی روند یا همان پروسه عکاسی با جنبه‌های قانونی عکسبرداری و چاپ سنتی در لاترآپورت تغییرات، ریشه‌ها و ارزش‌های عکاسی حرفه‌ای در قرن نوزدهم و بیستم را مشاهده کرد. جهان معاصر زمانه ارزشمندی و بی‌ارزشی تصویر است؛ تصویری که می‌تواند بی‌نهایت تکثیر شود. در چنین موقعیتی ارزش عکسی از جنگل‌های شمالی کانادا که توسط شاعر تصویرها یعنی آنسل آدامز گرفته شده بارزتر می‌شود.

دیده‌بان

نگاهی منصفانه به لیبی

باید لیبی را یک کشور باستانی کوچک دانست. مرز آبی آن کشور در کنار دریای مدیترانه در نزدیکی و به موازات ایتالیا، از مصر تا تونس، اندکی کمتر از دوهزار کیلومتر است و ۹۰ درصد جمعیت آن از باریک‌بای به موازات دریا و با عمق حدود ۱۰۰ کیلومتر زندگی می‌کنند. یعنی سرزمینی به مساحت تقریبی ۲۰۰هزار کیلومتر مربع. مرزهای جنوبی آن همواره به سوی صحرای بی‌یکران باز بوده و بعدها خط‌کشی‌های استعماری حدودی برای آن تعیین کرده‌است که چادرنشینی پراکنده در آنجا روزگاری می‌گذرانند. قدمت لیبی دوشادوش مصر به هزاران سال پیش باز می‌گردد و همین شهر بنغازی را نخستین بار یونانی‌ها ساختند و زمانی هم در دوران هخامنشی که مصر به دست ایرانیان افتاد بر سر این منطقه نیز با یونانی‌ها درگیر شدند. پس از ورود عرب‌ها نوعی فرهنگ قبیله‌ای بر زبان و مدنیت مصری-فینیقی- برپری لیبی تأثیر گذاشت. شهر طرابلس هم نام طرابلس لبنان، یاد آو مهاجرت باستانی اقوام سامی فینیقی از لبنان به لیبی و تونس است، یعنی کارتاژی‌های که در جنگ‌های معروف به پونیک به فرماندهی هانیبال با رومیان جنگیدند، که هم‌زمان بود با دوران اسکائی در ایران. در قرن ششم میلادی یوستینیان امپراتور روم شرقی به جبران شکستی که از نوشیروان خورده بود بلیزاریوس سردار آن جنگ را برای فتح امپراتوری واندال به لیبی و تونس اعزام کرد که به فاجعه‌اصحاحال آن تمدن درختان منجر شد. واندال‌ها از اقوام ژرمن ویزگت بودند که پیشتر به خشونت و توحش شهرت داشتند و در زبان‌های اروپایی واندالس هنوز به معنی «هلت» نمی‌توان نامید و تا همین اواخر این «هلت» به خوبی و خوشی زیر سایه او زندگی می‌کرد... که به عقیده من چنین ادعایی منصفانه نیست! ملاحظه اینکه ممکن است سوءتفاهمی، آن هم در چنان سطحی، درباره این کشور و ملت وجود داشته باشد، مرا به این فکر انداخت که شاید چند یادآوری برای اطلاع خوانندگان یی‌زبان باشد. وسعت لیبی با ۱/۷ میلیون کیلومتر مربع تقریباً به اندازه ایران و جمعیتش هفت میلیون نفر تقریباً یک‌دهم ایران است. با این حال

پیشنهاد

اجرای «در شب» شمس لنگرودی را بشنوید

«صبر» و «خموشی» من نتوانم

شعرهایی که هر کدام برگ‌های هستند از دفتر زندگی در روزگاری که به «کوبری» می‌ماند در انتظار «آران» شمس در کار «در شب» از روزگاری می‌گوید که دیگر نیست و از بال و پر طاقتی که دیگر بریده شده است؛ اما همه اینها سبب نمی‌شود که امید وصال و چشم‌انداز پیش‌رو نادیده انگاشته شده و کار در همین نامیدی بماند. اینجاست که «صبر» و «خموشی» مجاز شمرده نشده و آینده‌ای ترسیم می‌شود که باید به سمتش حرکت کرد. شمس لنگرودی در این کار هم در واقع دنباله‌رو گشته‌ها و اشعار خود است که دیگر با عینکی خاص به جهان اطرافش نمی‌نگرد و همچنان که بارها گفته در این سن و سال گویی تازه عاشق شده است؛ عشقی که آرایش را برای او و مخاطبانش به همراه آورده است. بعد از شنیدن چندین و چند باره این کار بود که دانستم قدم گذارن شمس در این دنیای جدید از همان زمانی کلید خورد که او مثل «زورق مست» آرتور رمبو احساس می‌کرد در یک سبیدمده آفتابی وارد دریایی شده که چشم‌اندازش بی‌یکران و در عین حال هم شادی‌آفرین است. «در شب» را بشنوید و از صدای استاد هم در کنز اشعارش لذت ببرید...

پژمان موسوی



آفتاب صدایش گرم و گیرا بود که اگر تا پیش از آن خبری را در پیشخوان خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مجازی نتوانده بودم، به سختی باورش می‌کردم که صاحب صدا کیست: «بالا و پایین»‌های زیر کله صدای استاد با همراهی «چیره‌دستانه» نوازندگان همراهش معجون عجیبی را پدید آورده است که هر شنونده‌ای را سر ذوق می‌آورد. اگر تا پیش از این برخی شاعران معاصران اشعارشان را با صدای خود می‌خواندند این یکی از نخستین بارهایی است که شاعرانی ترانه‌اش را با آواز می‌خواند و مخاطبانش را با صدای خود هم آشتی می‌دهد. محمد شمس لنگرودی که نامش بیشتر با پژوهش در شعر فارسی و البته دفتر شعرهایی چند، گره خورده است، این بار نه در لابه‌لای سطور کتاب‌ها در کنجخانه‌ها، که به مثابه خواننده‌ای صاحب سبک، میهمان خانه‌هایی شده است که او و شعرهایش را می‌خوانند.



علی درخششی

aderakshshi@yahoo.com



تاش

طراحی‌هایم را می‌سرایم



محمد ابراهیم جعفری

نقاش

دو هفته پیش در همین صفحه روزنامه «شرق» مطلبی نوشته بودم با عنوان «ماجرای‌های کنکور هنری» که در حقیقت حاصل گله‌هایی بود که داوطلبان در مقطع کارشناسی ارشد از جریان کنکور‌ها داشتند. بعد از یک هفته و چند تماس با جوانان جویای نام متوجه شدم آنها اقتدر که به قبول شدن در هر رشته‌ای که بشود، می‌اندیشند به خود هنر و کار و مطالعه درباره اصل مطلب که هنر است، دلبسته‌نشدند. یاد تخریب‌های چهل و چند ساله خود در کار تعلیم و تربیت هنر افتادم که اغلب جوانان موفق مخصوصاً شاگرد اول‌ها، هر چند با برنامه‌ریزی اصولی و مرتب به کار مشغول می‌شوند اما اغلب شوق کار سبب می‌شود که از فعالیت در راه موفقیت خسته نشوند. پیشنهاد من به داوطلبان کنکور‌ها به‌خصوص رشته‌های هنری این است که «نبال کارهایی که دل‌تان را نلرزاند، نروید». هیچ غمی بالاتر از غم انسانی نیست که از کارش لذت نبرد. اغلب بنیان‌های وقتی، مشغول ساختن دیوارهای خشتی یا آجری می‌شوند، با ریت‌م کار کردنشان آواز می‌خوانند و کارگران پایین دیوار را به شوق می‌آورند. اگر از طراحی کردن لذت نمی‌برید، چگونه می‌خواهید طرح شوید؟ منظورم از کلمه طراحی، خط کشیدن یا نقاشی کردن نیست، زیرا «بیان هر نوع تخیلی در نظر من طراحی است» حتی شعر سرون، این سروده را اولین بار از خود شنیدم:

طراحی‌هایم را می‌سرایم/ این بوم می‌خواهد نه دیوار / نه قصه خریدار/ نه غصه کنج‌انبار

طراحی هنرمندانه بیان تخیل خلاق است که «یادداشت‌گونه» و فی‌البداهه حادث می‌شود. بسیاری از جوانان هنردوست که باور هنری دارند، بدون هنر نمی‌توانند زندگی کنند و این روزها اغلب می‌پرسند در محل زندگی ما کسی نیست ما را راهنمایی کند. من هنرمندان بزرگی را در تاریخ

بدلباس‌ترین‌های دنیا

آن دو برابر سایر شهرهای کاناداست، در نابوری مقام سوم جدول را به خود اختصاص داده است. استفاده بیش از حد از البسه ورزشی برای امور روزمره از سوی مردم و تنگنور همچنین اورلاندو از دلایل اصلی رتبه بالای آنها در تاریخ هنر بوده، در حالی که آنها می‌توانند با لباس‌های مناسب و ساده دیگری در خیابان ظاهر شوند. در رتبه‌های چهارم تا دهم این رده‌بندی شهرهای هارایوکو (ژاپن)، بوستون، سیاتل، سان‌فرانسیسکو، اوتوا، پیتسبرگ و جرسی شور (آمریکا و کانادا) دیده می‌شوند.

خبرآنلاین: سیات خیری ام‌اس‌ان اقدام به انتخاب بدلباس‌ترین مردم در شهرهای مختلف پنج قاره جهان کرد. دراین رده‌بندی شهرهای آمریکایی و کانادایی اکثر رتبه‌ها را به خود اختصاص دادند و چند باره این کار بود که دانستم در بین ۱۰ شهر دیده می‌شود. اولین شهر اورلاندو در ایالت فلوریدا آمریکا و شهر دوم مائوئی در ایالت هاوایی از همین کشور است. اما شهر و تنگنور کانادا که در سه سال اخیر به مقصد اول مهاجران ممتول از کشورهای آسیایی و اروپایی بدل شده و متوسط قیمت مسکن در